

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

هفت سال مردم را پای «سریال برجام» نشاندهند

پروفسور درخشان: دولت به نظر می‌رسد هنوز در رویاهای خود به سر می‌برد و دست از «سریال برجام» برنداشته است. به جای اقدامات انقلابی در برابر تحریم‌های آمریکا، هفت سال مردم را سرگرم دیدن این سریال کرده‌اند. مردم متوجه ماهیت قضایا شدند، اما دولت هنوز می‌گوید صبر کنید که قسمت‌های خوب این سریال در راه است. امروز مردم فهمیده‌اند اصلاً نمی‌توان به آمریکا اعتماد کرد؛ همان کلامی که رهبرانقلاب همان ابتدا فرمودند که به مذاکرات خوش بین نیستند، زیرا ایشان آمریکا را بهتر از هر کسی می‌شناسند. اما دولت رفت و نتیجه‌اش یک خسارت محض شد. عنوان «تدبیر و امید» اصطلاح قشنگی بود، اما تدبیرشان در هفت سال صرف شکل دادن به برجام شد و امیدشان هم این بود که دوباره به نقطه اول بازگردند.

۵



محرابیان از تجارب موفق کشور در مدیریت ناترازی برق و بنزین گفت؛

ناتوانی را به پای ناترازی ننویسید



۴



خاندوزی رئیس
گروه اقتصادی دفتر
رهبرانقلاب شد

۴

با چه توجیهی پای سعودی
به توافق برای تنگه هرمز
باز شده است؟

۷



روایت پیروزی
یا نمایش هالیوودی؟

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

صفحه ۲

سیاسی

اصرار دولت بر تعطیلی قانون

دولت پزشک‌های در پایان دوسالگی عمر خود، در شاخص‌های متعددی، عقب‌گرد داشته و طبیعتاً قابل نقد است اما موضوعی که در ارکان مختلف دولت به یک رویه تبدیل شده و کمتر مورد اشاره قرار گرفته است، رویکرد ضدیت با قانون است.

صفحه ۳

سیاسی

مجلس، همچنان خارج از گود

در حالی که تصمیم‌گیری درباره آینده تنگه هرمز و توافق‌های مرتبط با امنیت و منافع ملی کشور در دستور کار دستگاه دیپلماسی قرار گرفته است، نقش مجلس شورای اسلامی به عنوان نهاد ناظر و قانون‌گذار همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

درست در همان زمانی که شبکه آمریکایی سی‌بی‌اس با تیزری هالیوودی از نجات خلبانی که جنگنده پیشرفته‌اش توسط سامانه بومی ایران هدف قرار گرفته بود، تلاش می‌کرد از یک شکست نظامی، دستاوردی قهرمانانه بسازد، ایران در سوی دیگر میدان، یک زیرسطحی پیشرفته آمریکایی را در تنگه هرمز سالم گرفت و «صید» کرد. با پخش کامل مصاحبه در روز گذشته، گاف‌های هالیوودی این روایت نیز یکی یکی بیرون زد.

متن کامل در صفحه ۶

ارکان مختلف دولت چهاردهم رویکردی متضاد با قوانین را در پیش گرفتند؛ نوبنیاد برخی از مصادیق را بررسی کرده است

اصرار دولت بر تعطیلی قانون

فضای مجازی و دور زدن سازوکار قانون شورای عالی فضای مجازی، اصرار بر حضور غیرقانونی برخی شخصیت‌های نزدیک به رئیس دولت در هلدینگ‌های اقتصادی و مواردی از این قبیل نشان می‌دهد تمایل دولت چهاردهم به عبور از قانون شدت گرفته و ضروری است نهادهایی چون مجلس و مراکز نظارتی به آن ورود کنند.

دولت پزشک‌بان در پایان دوسالگی عمر خود، در شاخص‌های متعددی، عقبگرد داشته و طبعاً قابل نقد است اما موضوعی که در ارکان مختلف دولت به یک رویه تبدیل شده و کمتر مورد اشاره قرار گرفته است، رویکرد ضدیت با قانون است. مخالفت با قانون حجاب و حتی افتخار به این مخالفت، اقدامات قابل تامل ستاد ویژه راهبری



چهاردهم است. از جمله اینها محمد شریعتمداری مدیرعامل هلدینگ خلیج فارس است که براساس مصوبه دولت و اجرای قانون منع بکارگیری بازنشستگان قرار بود خردادماه گذشته کناره‌گیری کند. ضمن اینکه حکم برکناری شریعتمداری سال گذشته و پیش از شروع جنگ ابلاغ شده بود که تاکنون به دلایلی به تعویق افتاد. از ابتدای دولت چهاردهم و با درخواست رئیس دولت، مجوز به کارگیری ۵۰ نفر از افراد مشمول قانون بازنشستگی از رهبر شهید انقلاب دریافت شده بود؛ با این حال این مجوز یکساله بوده و دیگر نمی‌توانست مبنای تداوم کار افرادی همچون شریعتمداری قرار گیرد. به این موارد می‌توان مصادیق دیگری چون واگذاری ایران خودرو به کروز که به اعتقاد نمایندگان مجلس غیرقانونی است و کمی قبل‌تر توافق دولت چهاردهم با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بدون مجوز شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال گذشته و بسیاری دیگر از موارد مشابه اشاره کرد

مورد خاص نمی‌شود. به دنبال دستور چند ماه قبل رئیس دولت به عارف معاون اول خود که در خصوص قانونی بودن جایگاه خود او نیز حرف و حدیث‌هایی مطرح است، ستاد ویژه راهبری فضای مجازی شکل گرفت. این ستاد از روز نخست تاسیس مورد انتقاد کارشناسان و شخصیت‌های مختلف واقع شد. دور زدن شورای عالی فضای مجازی، موازی‌کاری آشکار با دیگر نهادها و همچنین عدم صلاحیت رئیس دولت برای تاسیس این ستاد فراقوه‌ای موضوعاتی بود در اینباره مورد اشاره قرار گفتند. در نهایت نیز دیوان عدالت اداری به پرونده ورود کرد و قرار بر این شد تا ستاد ویژه صرفاً نقش مشورتی داشته باشد اما دولت تمکین نکرد و هفته گذشته این ستاد پایان ممنوعیت فعالیت دستگاه‌های اداری در پلتفرم‌های غیربومی را مصوب کرد.

اصرار بر حفظ مدیران بازنشسته در مسئولیت‌های کلیدی، یکی دیگر از مصادیق بی‌قانونی‌های حاکم بر دولت

امیرحسین درکی
روزنامه‌نگار

اخیراً ویدئویی از مجید انصاری معاون حقوقی رئیس دولت منتشر شده که در آن معاون پزشک‌بان به صراحت به ایستادگی رئیس دولت در برابر یک قانون مصوب مجلس افتخار می‌کند. انصاری در این باره گفته است: نمونه‌ای از شجاعت قهرمانانه! پزشک‌بان، مسئله قانون حجاب بود. طرحی در مجلس تهیه شده بود و آن طرح به مصوبه مجلس تبدیل شد. اما براساس بررسی‌ها این مصوبه اشکالات اساسی داشت. پزشک‌بان هم وقتی به این جمع بندی رسید ایستاد!

افتخار معاون رئیس جمهور به ایستادگی در برابر قانون و تعبیر شجاعت قهرمانانه برای این رویکرد، موضوعی است که تاکنون در کمتر دولت یا مقام ارشد دولتی سابقه داشته است. علاوه بر اینکه بی‌قانونی‌های دولت چهاردهم نیز محدود به این



مجید انصاری:
جلسه سران سه
قوه هم دور زدن
قانون اساسی
است

انصاری در نشست هماهنگی کارگروه‌های تخصصی هیأت پیگیری اجرای قانون اساسی گفته است: نظام قانون‌گذاری ما انحرافات جدی از قانون اساسی دارد. آیا این درست است که دولت لایحه‌ای می‌فرستد و تبدیل به ضد خودش می‌شود و تبدیل به قانون می‌شود و ما باید اجرا کنیم. وی افزود: اگر یکی دو سه گام برای اجرای قانون اساسی در این دولت برداریم، فکر می‌کنم کار درستی است.

انصاری همچنین گفت: گرچه جلسه سران سه قوه هم دور زدن قانون اساسی است، ولی شعاروفاق تأثیرگذار بوده برای اینکه همدلی شکل بگیرد!

خبر کوتاه

واکنش بهادری جهرمی به تعویق زمان توافق منطقه‌ای

سخنگوی دولت سسیزد هم در حساب کاربری خود در ایکس نوشت: پس از اینکه اظهارات اخیر برخی مقامات رسمی ایران مانع افزایش نرخ نفت به نفع کشورمان و مانع از افزایش قیمت سوخت به ضرر آمریکا شد، وزیر خارجه عمان از تعویق زمان توافق منطقه‌ای خبر داد. هم‌زمان مقامات دولتی در ایران از حذف سهمیه سوخت خودروهای جدید خبر دادند. بیا بید پرتغال فروش را!

خضریان: برخی مسئولان معیشت مردم را گروگان گرفته‌اند

نماینده تهران در تجمع مردمی گفت: در حالی که مردم نزدیک به ۲۰۰ شب است در میدان حراست و حفاظت از انقلاب ایستاده‌اند، برخی مسئولان معیشت مردم را گروگان گرفته‌اند. وی افزود: آقای علیرضا جوقه دوست مسئول حراست شرکت گروه صنعتی بارز از شرکت‌های زیرمجموعه شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا)، در حالی که باید ناظر بر عملکرد شرکت باشد تا مدیران تایرها را در بازار به نرخ دولتی به مردم بدهند، نه اینکه برخی سودجویان تایر را در بازار آزاد به مردم بفروشند و معیشت مردم را دچار مشکلات کنند، هم‌زمان با مسئولیت نظارت، عضو هیئت مدیره شرکت بارز تراهر از زیرمجموعه‌های شرکت بارز شده است. فردی که مسئولیت نظارت دارد، نباید و نمی‌تواند هم‌زمان عضو هیئت مدیره شود. ایشان در تخلفی دیگر مبلغ ۱.۵ میلیارد تومان از شرکت بارز علی‌الحساب دریافت نموده است. اینها هستند که برای مردم مشکلات اقتصادی درست می‌کنند. خضریان تأکید کرد: تخلف ایشان را به ریاست سازمان حراست کل کشور منعکس نمودم و تا حصول نتیجه پیگیری می‌کنم؛ تا کسی در کشور به خودش اجازه خیانت به اموال این مردم را ندهد.

هشدار نهاد مدیریت آبراه خلیج فارس به مجموعه‌های مرتبط با شناورهای متخلف

روز گذشته نهاد مدیریت آبراه خلیج فارس به مجموعه‌های مرتبط با شناورهای متخلف در تنگه هرمز هشدار داد. متن کامل پیام پی‌جی‌اس‌ای به این شرح است: فهرست شناورهای متخلف در آدرس <http://www.pgsa.ir/non-compliance-list> به روزرسانی شد. به شرکت‌های بیمه‌گر، کلاب‌های P&I و همچنین موسسات رده‌بندی هشدار داده می‌شود، به منظور مصونیت از تبعات ناشی از ارتباط با این شناورها، از ارائه خدمات به آن‌ها خودداری نمایند.

رزمایش «جان‌فدا» در پایتخت نیم‌میلیونی شد

رحیم نادعلی، معاون فرهنگی سپاه حضرت محمد رسول‌ﷺ (ص) تهران بزرگ، اعلام کرد: ثبت نام رزمایش «جان‌فدای ایران» به نیم میلیون نفر رسیده است. سردار حسن حسن‌زاده، فرمانده سپاه حضرت محمد رسول‌ﷺ (ص) تهران بزرگ، پیش‌تر در نشست خبری رزمایش «جان‌فدای ایران» از استقبال گسترده اقشار مختلف مردم برای حضور در این رزمایش خبر داده بود. وی اذعان کرده بود که ثبت نام‌ها از ۴۰۰ هزار نفر عبور کرده و پیش‌بینی می‌شود این تعداد به زودی از ۵۰۰ هزار نفر فراتر رود.

بهارستان

حمایت دولتی‌ها از منفورترین رئیس جمهور تاریخ ایران

اخیراً محمد عطریانفر، عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت پزشک‌بان و شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی در اظهاراتی مدعی شده است: «عصر سازندگی و اصلاحات از سال ۶۸ تا ۸۴ رخ داد و همه ما انتظار داشتیم که مسیر کشور آن باشد اما متأسفانه شکست خورد.» او در ادامه سخنانش خود، حسن روحانی رئیس جمهور نامحسوب پیشین کشورمان را «مدیر درجه یک» خواند و اظهار داشت: «حتی استخوان‌های حسن روحانی را که مدیر درجه یکی بود را نیز شکستند.» البته گفته‌ی انسانی است که بررسی عملکرد فاجعه‌بار روحانی، بعنوان غیرمردمی‌ترین، رئیس جمهور پس از انقلاب به شرح زیر است: ۹/۹ میلیون نفر به جمعیت فقرا اضافه شد؛ بالاترین نرخ تورم ۸۰ ساله اخیر به روایت بانک مرکزی رخ داد؛ شکاف طبقاتی به بالاترین مقدار ۱۰ ساله رسید، نرخ ارز ۹ برابر شد و نمره شاخص توسعه انسانی ایران پس از چندین و چند سال کاهش می‌یافت. همچنین متوسط نرخ رشد اقتصادی در دهه ۹۰ زیر یک درصد بود. علاوه بر این قابل ذکر است که اقدام غیرحرفه و معروف روحانی در ماجرای اعلام قیمت بنزین که زمینه‌ساز آشوب و برهم خوردن اوضاع داخلی در کشور شد نیز باعث ایجاد یک زخم بزرگ بر اعتماد عمومی جامعه به عملکرد کشور شد و ثمره این مدیریت برجسته روحانی تا اینجا این بوده است که از بعد او هیچ انتخاباتی بالای ۵۰ درصد در کشور شکل نگرفته است.

قابل ذکر است که اخیراً درخواست‌های مردمی در محاکمه و برخورد قضایی با روحانی طی روزهای اخیر قریب به یک میلیون نفر رسیده است. و این پرسش مطرح می‌شود که دلیل حمایت دولت از این رئیس جمهور نامحسوب ریشه در کجا دارد؟



توقیف ۲۴۰ مورد از اموال خائنان به وطن به نفع حقوق عامه و مردم



طی ماه‌های اخیر در راستای حفظ حقوق عامه و اجرای قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی علیه امنیت و منافع ملی، با دستور قضایی، اموال تعداد زیادی از خائنین به وطن و مردم که

از عناصر وابسته به رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم به نفع مردم شناسایی و توقیف شده است. قانون «تشدید مجازات جرم جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم» در ۹ ماده و ۶ تبصره تصویب شده و اقداماتی مانند خرابکاری، جمع‌آوری اطلاعات و همکاری‌های سایبری یا تسلیحاتی یا رسانه‌ای را با جرایم سنگینی قابل مجازات دانسته است. اخیراً نیز در یکی از پرونده‌ها که منجر به صدور رای نهایی شده است، پرونده صادق ساعدی نیا است. صادق ساعدی نیا، از فعالان حوزه کافه داری بود که با انتشار استوری‌هایی در فضای مجازی و همصدایی با ضد انقلاب همزمان با فراخوان‌های گروه‌های معاند، با دشمن همراهی کرده بود و به ۱۲

سال و ۶ ماه و یک روز حبس تعزیری و مصادره کلیه اموال منقول و غیر منقول به نفع دولت محکوم شد. همچنین، با اقدامات قضایی تاکنون ۱۴۳ مورد از اموال و املاک خائنان به وطن که اقدامات تبلیغی یا عملی علیه کشور و به نفع دولت‌های متخاصم داشته‌اند در تهران توقیف شده است. علاوه بر این ده‌ها مورد از توقیف اموال وطن‌فروشان و مسدودسازی حساب‌های بانکی در کل کشور صورت گرفته که در مجموع با اقدامات قضایی ۲۴۰ مورد از اموال وطن‌فروشان و خائنین به کشور با دستور قضایی توقیف شده است. افزون بر این، در بخش دیگری از این اقدامات، ۱۸۲ حساب بانکی متعلق به این افراد در بانک‌های کشور مسدود شده است. همچنین بیش از ۲ هزار اعلام نیز از بانک مرکزی در رابطه حساب‌های متهمان گرفته شده است که در حال پیگیری است.

بی‌اعتنایی به شأن نظارتی و تقنینی مجلس در تصمیم‌گیری‌های مهم کشور ادامه دارد

مجلس، همچنان خارج از گود

در حالی که تصمیم‌گیری درباره آینده تنگه هرمز و توافق‌های مرتبط با امنیت و منافع ملی کشور در دستور کار دستگاه دیپلماسی قرار گرفته است، نقش مجلس شورای اسلامی به عنوان نهاد ناظر و قانون‌گذار همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ وضعیتی که از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد تا نشست ناکام صلاله تکرار شده و این پرسش را پیش روی افکار عمومی قرار داده است که چرا مجلس در مهم‌ترین تصمیمات راهبردی کشور، عملاً از فرایند تصمیم‌سازی کنار گذاشته می‌شود؟

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

تصویب و تأیید نهایی؛ لگدی بر پیکره آسیب‌دیده مجلس شورای اسلامی بود. با این حال در همان زمان جمع کثیری (۷۰ نفر) از نمایندگان به صورت خودجوش، در روز قبل از اعلام خبر توافق اسلام‌آباد یازده سؤال مهم و کلیدی را خطاب به رئیس تیم مذاکره‌کننده و دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی مطرح و امضا کردند که به گفته حمید رسایی، هیچ پاسخی به این سؤالات داده نشد.

البته که نکته قابل توجه اینجاست که چه در زمان تعطیلی ۵ ماهه مجلس و چه شرایط کنونی و نیمه تعطیل مجلس که به صورت مجازی جلسات اداره می‌شود و انتقادات گسترده‌ای بدان وارد است. توجه‌ای به نقش مجلس صورت نگرفت. به عبارت دیگر در خصوص نظارت مجلس بر تصمیمات سرنوشت‌ساز کشور چه در تعطیلی ۵ ماهه و چه در جلسات مجازی کنونی که کارکرد مجلس را از کار انداخته است، تفاوتی دیده نمی‌شود. قابل ذکر است که ماه گذشته، در ۱۸ مرداد ۱۴۰۵، کلیات طرح اقدام راهبردی تأمین امنیت و پیشرفت پایدار تنگه هرمز با اجماع اعضای حاضر در جلسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تصویب شد. سوال دیگری که مطرح می‌شود این است که جزئیات این مصوبه راهبردی — که به دلیل مجازی بودن جلسات مجلس هنوز به صحن علنی برای تصویب نرسیده — در کجای مذاکرات اخیر (که به تعویق افتاد) قرار داشت؟

دستگاه دیپلماسی با اظهارات خلاف واقع خود به منافع ملی آسیب زده است!

گفتنی است که مهدی خاوعلی‌زاده، استاد دانشگاه و کارشناس سیاست خارجی درباره تعویق نشست صلاله نوشته است: با لغو نشست صلاله و مخالفت عربستان و بحرین با مفاد توافق ایران و عمان درباره مدیریت تنگه هرمز مشخص شد که این فرآیند برخلاف سخنان و ادعاهای مسوولان وزارت خارجه، شخص وزیر و شخص سخنگوی وزارت امور خارجه که از دو جانبه بودن این توافق و بی‌ارتباط بودن آن با تفاهم‌نامه اسلام‌آباد سخن می‌گفتند، دقیقاً در مسیر تحقق بند پنجم تفاهم‌نامه بوده است؛ تفاهمی که بیشتر از دو ماه است از سوی ایالات متحده پایان یافته و هیچ‌کدام از تعهدات واشنگتن ذیل آن اجرایی نشده است. در واقع و متأسفانه، دستگاه دیپلماسی کشورمان با سخنان غیرواقعی و اظهارات خلاف واقع علاوه بر آسیب به منافع ملی افکار عمومی و مردم را نیز گمراه کرده است.



تلاش‌های وزارت خارجه برای قانونی‌نشدن تنگه هرمز

پیش از این نیز، سید مرتضی محمودی سخنگوی فراکسیون مقاومت مجلس شورای اسلامی درباره اقدامات و مانع تراشی‌های وزارت امور خارجه در عدم تصویب قانون تنگه هرمز اظهار داشته بود: «در جلسه بررسی طرح اقدام راهبردی تأمین امنیت این منطقه از منافع وزارت امور خارجه با اعتماد به نفس کامل پای تخته رفت و گفت ما باید به کنوانسیون‌ها و قوانین حقوق بین الملل پایبند باشیم و در نهایت نتیجه گرفت که: تا پایان مذاکرات نباید قانونی برای تنگه هرمز تصویب کنیم!»

یادداشت

چند ویژگی بارز شهید رئیسی

مجید دوستعلی
نماینده مجلس شورای اسلامی

در کلیپی، مطالبی درباره شهید رئیسی شنیدم و همچنین آقای محصولی؛ شهید رئیسی را از سال ۷۵ (سی سال پیش) وقتی رئیس سازمان بازرسی کل کشور بود شناختم، آن موقع در اول کارم به عنوان قاضی قرار شد تا دفتر سازمان بازرسی کل کشور در استان کرمان را بایکی از همکاران قضایی راه اندازی کنیم. آنروز شهید رئیسی را مدتی، باهوش، تیزبین، با اخلاص و اهل کار و تلاش دیدم تا روزیکه دادستان کل کشور، معاون اول قوه قضائیه، تولیت آستان قدس، رئیس قوه قضائیه و رئیس جمهور بود، اگر به مناسبتی زیارتش کردم ریسی را همان ریسی سال ۷۵ دیدم، البته با کوله باری از تجربه و اما محصولی را در جنگ و دوران دفاع مقدس شناختم بعد از عملیات والفجر ۸، با دعوت یکی از دوستان به کرمانشاه رفتم و با جنگ‌های نامنظم داخل عراق آشنا شدم، تیپ و ویژگی پاسداران که بعداً تبدیل به لشکر شد و فرمانده اش آقای محصولی بود، تا پایان جنگ توفیق داشتم با این لشکر باشم.

فرمانده‌ای باهوش، با اخلاص، قاطع و دلسوز که به همراه نیروهای تحت امرش درسخت‌ترین شرایط، کوه‌های بلند کردستان ایران و عراق را زیر پای می گذاشتند و در داخل خاک عراق به دشمن ضربه میزدند از عملیات فتح تا عملیات مرصاد، که در آن شب، در اولین برخورد با ستون جنگی منافقین در تنگه چهار زبر حماسه ایام پایانی جنگ را خلق کردند. شنیده بودم همان روزها، آقای محصولی پیشنهاد سفارت یکی از کشورهای اروپایی از جانب آقای دکتر ولایتی وزیر محترم امور خارجه وقت را داشتند ولی اوزندگی در سنگرو شرایط سخت زمستان‌های برفی کوه‌های ابرافراشته غرب و سختی جنگ و عملیات را بر آسایش در سفارت فلان کشور ترجیح داد. کمی منصف باشیم، مرد باهوش و مجری مثل شهید ریسی اقتصاد نمی‌فهمد!!؟ و یا ۱۶۰ میلیارد دلار ثروت را آقای محصولی به دوش می‌کشد!!؟ برزخ و قیامت عالم پاسخگوی است، مخصوصاً حق الناس.

خبر کوتاه

رسایی: آیا پزشک‌های می‌داند استفاده از لفظ «حوثی‌ها» چه پیامدهایی دارد؟

نائب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در حساب کاربری خود در واکنش به استفاده از کلمه حوثی توسط رئیس جمهور نوشت: استفاده از عنوان «حوثی» برای اشاره به جنبش انصاالله بار معنایی و سیاسی خاصی دارد که آن را از نام رسمی «انصاالله» متمایز می‌کند. انتخاب هر کدام از این دو نام، معمولاً بازتاب‌دهنده موضع سیاسی گوینده است. وی افزود: ریشه نام «حوثی» چیست؟ نام «حوثی» یک نام خانوادگی است که از خاندان «حوثی» (آل حوثی) گرفته شده است. این خاندان، رهبری معنوی و سیاسی جنبش را در ابتدا برعهده داشتند و نام خود را از منطقه‌ای به نام «حوث» در استان صعده واقع در شمال یمن گرفته‌اند. بنابراین، «حوثی» در اصل یک نام قبیله‌ای-خانوادگی است، نه یک ایدئولوژی یا نام رسمی گروه. «انصاالله» نام رسمی و اعلامی است. نام رسمی و اعلامی خود جنبش، «انصاالله» به معنای «باری‌کنندگان خدا» است. این نام بیانگر ماهیت مذهبی-ایدئولوژیک جنبش است و از شعارها و اهداف اولیه آن‌ها نشأت می‌گیرد. اعضای جنبش و حامیان آن‌ها معمولاً از نام «انصاالله» استفاده می‌کنند. نماینده مردم تهران تأکید کرد: بار سیاسی و رسانه‌ای دو اصطلاح تفاوت اصلی در کاربرد این دو نام، بار سیاسی آن‌ها است: کاربرد «انصاالله» این نام معمولاً توسط خود جنبش، حامیان منطقه‌ای آن و رسانه‌هایی که موضع نزدیک‌تری به آن‌ها دارند، استفاده می‌شود. کاربرد «حوثی»: این نام در رسانه‌ها و اسناد بین‌المللی همسو با غرب رواج بیشتری دارد رسانه‌های غربی و عربی مخالف نیز غالباً از لفظ «حوثی» استفاده می‌کنند تا آن را به عنوان یک گروه شورشی قبیله‌ای معرفی کنند. بنابراین باید از رییس جمهور پرسید که دنبال تقویت کدام معنا در ذهن مخاطب است؟

اصلاح آرام بورس در سایه گردش پول



بازار سهام در معاملات روز گذشته (دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۴۰۵)، پس از چند روزهای روند پرشتاب صعودی، با تغییر فاز مواجه شد و معاملات را با فشار فروشنده آغاز کرد. این فضای پر عرضه که از همان دقایق ابتدایی بر کلیت بازار سایه افکنده بود، تا پایان معاملات ادامه یافت و اجازه نداد شاخص‌ها از محدوده قرمز خارج شوند. نکته کلیدی معاملات دیروز، نه صرفاً منفی بودن شاخص‌ها، بلکه مقاومت معنادار تقاضا در برابر فشار فروش بود که مانع از وقوع یک اصلاح عمیق شد. شاخص کل بورس تهران در ابتدای معاملات با فشار فروش، تا محدوده ۷ میلیون و ۳۵۷ هزار واحد نیز عقب‌نشینی کرد اما در ادامه، بهبود تقاضا توانست تا حدی از شدت این ریزش بکاهد؛ با این وجود، شاخص کل در پایان دادوستدها با افت ۲۸ هزار و ۱۷۹ واحدی (۰.۵۱ درصد) به ۷ میلیون و ۳۹۳ هزار و ۲۷۲

سهامی خارج شد. خروج نقدینگی از صندوق‌های با درآمد ثابت نیز به بیش از یک هزار میلیارد تومان رسید. در پایان معاملات روز میانی هفته، ۴۱۱ نماد سبزپوش و ۴۴۹ نماد قرمزپوش شدند. همچنین تعداد صف‌های خرید با ۲۶۶ صف در مقابل ۲۴۳ صف فروش نشان می‌دهد که قدرت خریداران همچنان پابرجاست. به گفته کارشناسان، بازار سهام دیروز به وضوح وارد فاز استراحت پس از یک رشد سریع شد که این اصلاح، بخشی از ذات پویای بازار است که برای تداوم رشد در روزهای آتی ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به گردش بالای نقدینگی و قدرت گرفتن صف‌های خرید نسبت به فروش در لحظات پایانی معاملات دیروز، می‌توان انتظار داشت که امروز دادوستدها از فشار عرضه اولیه خارج شده و به سمت یک تعادل نسبی حرکت کند.

واحد رسید. شاخص کل هم‌وزن نیز که نماینده بهتری برای نمایش وضعیت کلی بازار است، با افت ۸ هزار و ۴۷۳ واحدی (۰.۴۲ درصد) در ارتفاع یک میلیون و ۹۹۴ هزار و ۱۸۸ واحد ایستاد. مقایسه افت شاخص کل و هم‌وزن نشان می‌دهد که فشار فروش هنوز به یک موج فراگیر تبدیل نشده است. در فرابورس ایران نیز وضعیت به همین منوال بود و شاخص کل با کاهش ۲۴ واحدی (۰.۰۴ درصد) در محدوده ۵۷ هزار و ۲۲۹ واحد قرار گرفت. در حالی که بازار منفی بود، ارزش معاملات خرد سهام صندوق‌های سهامی به ۵۳ هزار و ۶۲۱ میلیارد تومان رسید. این حجم از دادوستد، نشان می‌دهد که نقدینگی همچنان در چرخش است و سرمایه‌گذاران حتی در روزهای نزولی نیز از فعالیت دست برنداشته‌اند. با این حال ۸۱۰ میلیارد تومان پول توسط حقیقی‌ها از بخش سهام و صندوق‌های

محرابیان از تجارب موفق کشور در مدیریت ناترازی برق و بنزین گفت؛

ناتوانی را به پای ناترازی ننویسید

تجربه مدیریت مصرف بنزین در دولت‌های نهم و دهم و مدیریت مصرف برق در دولت سیزدهم، روایت متفاوتی از مواجهه دولت با ناترازی انرژی ارائه می‌دهد؛ روایتی که در آن به‌جای پذیرش «نمی‌شود» و «نمی‌توانیم»، تلاش شد با تغییر فناوری، توسعه حمل‌ونقل عمومی، خروج خودروهای فرسوده، توسعه دولت الکترونیک و مدیریت مصرف، از دل بحران فرصت ساخته شود. علی‌اکبر محرابیان، وزیر سابق نیرو، و هم‌روایت تجربه‌های می‌گوید در مقطعی که کشور با محدودیت شدیدی منابع، تحریم و حتی خطر توقف واردات مواجه بود، مصرف بنزین نه‌تنها کنترل شد، بلکه طی یک دهه ۱۰۰ میلیارد دلار صرفه‌جویی رقم خورد.

روندهای پیشین‌پیش می‌رفت، نیاز بخش خانگی در سال ۱۴۰۲ به حدود ۵۷ تراوات ساعت بالغ می‌شد، اما با پیاده‌سازی سازوکارهای نوین مدیریت مصرف، این عدد بدون اعمال خاموشی به ۴۶ تراوات ساعت تقلیل یافت. این نتیجه، ثمره مدیریت هوشمند تقاضا در شبکه برق بود. با انضباط بخشی به مصرف خانگی، توان قابل توجهی برای رونق بخشی به تولید و بخش صنعت آزاد شد. محرابیان بیان کرد: اگر نیاز خانگی به همان ۵۷ تراوات ساعت می‌رسید، سهم ناچیزی (نزدیک به ۳۴ تراوات ساعت) به صنایع تعلق می‌گرفت؛ در حالی که با مدیریت راهبردی، سهم تحویلی به بخش صنعت به حدود ۴۶ تراوات ساعت افزایش پیدا کرد. مدیریت مصرف صرفاً به معنای تحدید مصرف نیست؛ بلکه معطوف به جابه‌جایی، بهره‌ور کردن چرخه تقاضا و هدایت حامل‌های انرژی به بخش‌های دارای ارزش افزوده بالاتر اقتصادی است.

وزیر سابق نیرو با نقد دیدگاه تک‌بعدی «توسعه ظرفیت بدون مدیریت تقاضا» تصریح کرد: ما روی این پدیده برچسب ناترازی گذاشته‌ایم، در حالی که در تجارب جهانی، مسئله را از دریچه مدیریت هوشمند مصرف تحلیل و مهار می‌کنند؛ ناترازی نیز پدیده‌ای کاملاً مهارپذیر است. وی بیان کرد: فاصله گرفتن از سازوکارهای علمی و فناوری موجب می‌شود گمان کنیم شبکه برق باید تحت هژمونی و بدون اصلاح الگوهای مصرف، به تقاضاهای کنترل نشده پاسخ دهد؛ تصویری که پیامدی جز اتلاف گسترده سرمایه‌ها و منابع ندارد.

محرابیان با ارجاع به الگوهای موفق بین‌المللی خاطرنشان کرد: بررسی تجارب دیگر کشورها حائز اهمیت است؛ کشورهایی بوده‌اند که در یک بازه زمانی ۱۰ ساله صرفاً از طریق راهکارهای مدیریت تقاضا، صرفه‌جویی‌های کلانی را تجربه کرده‌اند؛ به طوری که در این دوره، حجم صرفه‌جویی ثبت شده برای کشوری مانند چین به حدود ۵۵۰ میلیارد دلار رسید.

مصرف نباید بار مضاعفی بردوش شهروندان بگذارد، تصریح کرد: کاهش مصرف زمانی به بار می‌نشیند که حاکمیت، زیرساخت و امکان جایگزین را در دسترس عموم قرار دهد. نمی‌توان برای کاستن از تقاضای بنزین، صرفاً از شهروندان خواست تردد با خودرو را کنار بگذارند یا از سفرهای ضروری چشم‌پوشی کنند؛ چرا که بخش اعظم این رفت‌وآمدها ماهیت اجتناب‌ناپذیر دارد. وزیر سابق نیرو تصریح کرد: برای مهار تقاضا، باید متغیرهای بنیادین را تغییر داد؛ اقداماتی چون اسقاط خودروهای فرسوده و پرمصرف، فراگیرسازی خدمات دولت الکترونیک و توسعه جیش‌وار ناوگان ترابری همگانی از این جمله‌اند. وی تأکید کرد: به عبارت دیگر، شرط توفیق در کاهش مصرف، اعطای گزینه‌های جایگزین مطلوب به مردم است. با استقرار زیرساخت‌های لازم، مصرف بهینه بدون آسیب به کیفیت زندگی جامعه محقق خواهد شد. محرابیان با اشاره به دستاوردهای مالی این رویکرد گفت: با تداوم چنین نگاهی، چالش بزرگی مثل ناترازی انرژی، خود می‌تواند به یک فرصت اقتصادی ارزش‌آفرین بدل شود. گواه آنکه در چارچوب قانون تبصره ۱۲ و سیاست‌های بهینه‌سازی سوخت، در بازه سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ حدود ۱۰۰ میلیارد دلار صرفه‌جویی خالص از محل کاهش مصرف بنزین به دست آمد. برای پی بردن به ابعاد این صرفه‌جویی، کافی است در نظر بگیریم که تداوم مسیر گذشته، سالانه مستلزم صرف دست کم ۱۰ میلیارد دلار منابع ارزی بیشتر برای خرید بنزین بود.

تجربه دولت سیزدهم در ناترازی برق

وزیر سابق نیرو در ادامه، تجربه دولت سیزدهم در مدیریت مصرف برق را نمونه‌ای دیگر از عبور از ناترازی دانست. محرابیان تأکید کرد هدف دولت شهید رئیسی صرفاً کاهش مصرف نبود، بلکه با اعمال مدیریت هوشمند در بخش خانگی، ظرفیت مازاد برای تغذیه بخش‌های تولیدی و صنایع فراهم شد. وی توضیح داد: اگر مصرف بر مبنای



نیماسهیلی
روزنامه‌نگار

تجربه بنزین: تبدیل تهدید به فرصت

وزیر نیرو در دولت شهید رئیسی با اشاره به تجربه موفق مدیریت سوخت در کشور، به دوره‌ای اشاره کرد که ایران با رشد مستمر مصرف، توان محدود پالایشی و اهرم‌های فشاری ناشی از تحریم مواجه بود؛ شرایطی که می‌توانست کشور را به گرداب وابستگی مطلق به واردات بنزین سوق دهد. وی یادآور شد: در طول سه دهه منتهی به سال ۱۳۸۵، رشد مصرف بنزین در کشور به‌طور پیوسته سالانه حدود ۱۰ درصد بود. در سال ۱۳۸۴، مصرف روزانه بنزین به ۷۲ میلیون لیتر رسید؛ در حالی که کل توان تولیدی کشور حدود ۴۲ میلیون لیتر در روز بود و تنها امکان توزیع نزدیک به ۴۰ میلیون لیتر از آن وجود داشت. این کسری در حالی رخ می‌نمود که کشور درگیر تنگنای مالی و فشارهای تحریمی بود و دولت ایالات متحده نیز بنزین را به پاشنه آشیل اقتصاد ایران بدل کرده بود. محرابیان افزود: در آن دوران، بودجه سالانه بدون پیش‌بینی منابع واردات بنزین بسته می‌شد؛ اما با گذشت دو تا سه ماه، دولت مجبور بود برای تأمین منابع ارزی واردات، لایحه‌ای به مجلس تقدیم کند و حدود ۷ میلیارد دلار اعتبار بخواهد؛ مسئله‌ای که همواره باتش‌ها و چالش‌های فراوانی روبرو بود. به گفته وزیر سابق نیرو، مسیر اتخاذشده اما روند راعمکوس کرد: با اجرای بسته سیاستی چندوجهی و تکیه بر فناوری، الگوی مصرف متحول شد. مصرف ۷۲ میلیون لیتری به طبق نمودارهای قبلی باید در پایان دوره به مرز ۱۳۰ میلیون لیتر در روز می‌رسید، نه‌تنها مهار شد، بلکه به حدود ۶۸ میلیون لیتر در روز کاهش یافت. وی بیان کرد: این دست‌آورد محصول اقدامات هم‌افزا در بخش‌های گوناگون از جمله ارتقای فناوری در خودروسازی، تقویت ناوگان حمل‌ونقل همگانی و توسعه زیرساخت‌های دوگانه سوز کردن خودروها بود.

مدیریت مصرف نیازمند برنامه است

محرابیان با تأکید بر اینکه مدیریت

در شرایطی که ناترازی انرژی به یکی از جدی‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران تبدیل شده است و مسئولان دولت چهاردهم در مواجهه با این مسئله و چالش‌های مشابه، بارها از محدودیت منابع، دشواری شرایط و «نمی‌شود» و «نمی‌توانیم» سخن گفته‌اند، مرور تجارب گذشته نشان می‌دهد حل همه مشکلات لزوماً در گرو تزریق منابع بیشتر یا ایجاد ظرفیت‌های جدید نیست. ایران در مقطعی با بحران‌های جدی در تأمین بنزین و برق روبرو بود، اما با تکیه بر مدیریت مصرف، توسعه زیرساخت‌ها، بهره‌گیری از فناوری و اصلاح الگوی مصرف توانست از این بحران‌ها عبور کند. علی‌اکبر محرابیان، وزیر سابق نیرو، روز گذشته بخشی از این تجارب را تشریح کرد؛ تجارب که به گفته وی گواهی می‌دهد ناترازی انرژی بیش از آنکه گرهی ناگشودنی باشد، نیازمند مدیریت، تصمیم‌گیری به موقع و بهره‌گیری از ابزارهای موجود است. علی‌اکبر محرابیان در تشریح ضرورت بازنگری در مواجهه با ناترازی برق گفت: بخش قابل توجهی از ظرفیت مورد نیاز شبکه تنها در ساعات محدودی از سال استفاده می‌شود و ایجاد ظرفیت‌های نو صرفاً برای پاسخ‌گویی به همین ساعات معدود، فاقد توجیه اقتصادی است. وی اظهار کرد: اگر شبکه برق را مد نظر قرار دهیم، فاصله میان بار مصرفی در گرم‌ترین و سردترین روزهای سال حدود دو برابر است. حتی در همان روز اوج گرما نیز فاصله کمینه و بیشینه بار مصرفی به دو برابر می‌رسد. محرابیان افزود: این ارقام بیانگر آن است که در طول ۳۶۵ روز سال (معادل حدود ۸۷۶۰ ساعت)، اوج تقاضای برق صرفاً در چند ساعت محدود رخ می‌دهد. بنابراین این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا منطقی است برای پاسخ‌گویی به این بازه بسیار کوتاه، سرمایه‌گذاری چند میلیارد دلاری برای احداث ظرفیت‌های تازه انجام گیرد؟

موج خبر

خاندوزی رئیس گروه اقتصادی دفتر رهبر انقلاب شد

فارس نوشت: سید احسان خاندوزی، وزیر پیشین امور اقتصادی و دارایی، به عنوان رئیس گروه اقتصادی دفتر مقام معظم رهبری و جایگزین علی آقامحمدی منصوب شد. خاندوزی پیش از این وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت شهید رئیسی، نماینده سابق مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی بوده است.

«پول نداریم» دورغ بود؟

دولتمردان دولت چهاردهم در ماه‌های گذشته بارها از کمبود منابع و تنگنای مالی سخن گفتند؛ این گزاره حتی برای توجیه اجرا نشدن یا به تعویق افتادن طرح‌هایی مانند افزایش اعتبار کالبرگ نیز به کار رفت. مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم نیز بارها بر محدودیت منابع دولت تأکید کرده و مضمون سخنانش این بوده که دولت برای اجرای تعهدات خود با مشکل تأمین منابع مواجه است. پزشکیان ۶ شهریور امسال به مناسبت آغاز سومین سال فعالیت دولت چهاردهم در گفت‌وگویی تلویزیونی با مردم، گفته بود: «وقتی پول و درآمد نداریم... وقتی پیش از آغاز این جنگ ۱۵۰۰ همت کسری داشتیم...».

اما در مقابل، آمارهای منتشرشده از تحقق ۱۱۰ درصدی درآمد‌های نفت و گاز بودجه ۱۴۰۵ حکایت دارد. براساس گزارشی که تسنیم دیروز منتشر کرد، درآمد‌های نفتی دولت در پنج ماه نخست سال، با وجود جنگ، تشدید تحریم‌ها و محدودیت‌های صادراتی، به ۱۱۰ درصد رقم پیش‌بینی شده در قانون بودجه امسال رسیده است. این خبرگزاری همچنین از کاهش حدود ۱۰ درصدی کسری بودجه در مرداد نسبت به تیر خبر داد. طبق این گزارش، وضعیت ذخایر کالاهای اساسی هم بخش دولتی و هم خصوصی مطلوب است، به گونه‌ای که ۵۰ درصد بیش از ذخایر تکلیفی، ذخیره کالای اساسی ذخیره شده است. از سوی دیگر، حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه چندی پیش اعلام کرد که دولت برنامه‌ای برای ارسال لایحه اصلاح بودجه به مجلس ندارد. این سخنان نشان می‌دهد دولت با کسری شدیدی مواجه نیست. با این حال فارس نیز نوشت: تا پایان تیرماه، تحقق درآمد‌های حاصل از فروش نفت و گاز ۱۰۱ درصد بوده، در حالی که کسری بودجه حدود ۲۱.۵ درصد گزارش شده است. همزمان، براساس اعلام دیوان محاسبات، ۳۱ هزار میلیارد تومان از منابع سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی در حساب این سازمان رسوب کرده و بلااستفاده مانده است.

پروفسور مسعود درخشان از خسارت‌های نگاه به غرب می‌گوید

هفت سال مردم‌را پای «سریال برجام» نشان‌دند

دولت چهاردهم با وعده حذف شکاف نرخ ارز و پایان دادن به چندنرخ بودن بازار، سیاستی را اجرا کرد که قرار بود رانت ارزی را از میان بردارد و به بازار ثبات ببخشد؛ اما هشت ماه بعد، نه تنها شکاف نرخ رسمی و آزاد از بین نرفته، بلکه از حدود ۳۰ درصد به ۴۱ درصد رسیده است. در همین مدت، نرخ دلار آزاد نیز از ۵۸ هزار تومان در زمان تحویل دولت

به پزشکیان به بالای ۲۳۰ هزار تومان افزایش یافته است. هم‌زمان، اظهارات برخی مقام‌های دولتی درباره صفر شدن درآمد نفت و ناچار بودن دولت به چاپ پول، بر انتظارات تورمی و نگرانی فعالان اقتصادی افزوده است؛ وضعیتی که پرسش‌هایی جدی را درباره نتیجه سیاست ارزی دولت ایجاد می‌کند.



هادی هدایت زاده

روزنامه‌نگار

با روحیه‌ای انقلابی وارد شد، اما در حوزه اقتصاد در همان الگوی قدیمی ماند، زیرا متوجه نشد تا زمانی که اصلاحات ساختاری اتفاق نیفتد و کشور به‌ویژه در بخش تولید روی پای خود نایستد، مبارزه در ابعاد سیاسی با تنگنا مواجه می‌شود. وی افزود: آن‌زمان مرتب می‌گفتم بزرگ‌ترین مانع مادر پیشرفت، ساختار اقتصادی به‌ارثر رسیده از گذشته است، نه ابعاد سیاست‌های کلی نظام که مقام معظم رهبری بیان می‌فرمودند. در دوره دولت آقای احمدی‌نژاد حدود ۷۰۰ میلیارد دلار صادرات نفت داشتیم که رقم بسیار بالایی بود، اما نتیجه آن سیاست‌های غلط اقتصادی این شد که در دوره دوم دولت او، به دلیل واردات کور و حساب نشده، ده‌ها و صدها واحد تولیدی بزرگ و کوچک از بین رفتند و بیکاری شروع به رشد کرد.

سراب سریال برجام و خسارت محض

این استاد اقتصاد دانشگاه بیان کرد: وضع اقتصاد کشور به بیماری طولانی و مزمنی تبدیل شده است. بیماری‌های اقتصادی نوعاً مانند سرطان هستند و دوره پنهان دارند؛ وقتی علائم بحران ظاهر می‌شود، مبارزه با آن‌ها و رفع آثار سوءشان زمان‌بر خواهد بود. درخشان خاطرنشان کرد: هم‌اکنون مجلس شورای اسلامی حرف‌های انقلابی و خوبی زده و آماده به کار است، اما دولت به نظرمی‌رسد هنوز در رویاهای خود به سر می‌برد و دست از سریال برجام برنداشته است. به جای اقدامات انقلابی در برابر تحریم‌های آمریکا، هفت سال مردم را سرگرم دیدن این سریال کرده‌اند.

حتی پس از جنایات آمریکا و به شهادت رساندن سردار دل‌ها، حاج قاسم سلیمانی، و دانشمند بزرگ کشورمان شهید فخری‌زاده، مردم متوجه ماهیت قضایا شدند، اما دولت هنوز می‌گوید صبر کنید که قسمت‌های خوب این سریال در راه است. وی تأکید کرد: امروز مردم فهمیده‌اند اصلاً نمی‌توان به آمریکا اعتماد کرد؛ همان کلامی که رهبر انقلاب همان ابتدا فرمودند که به مذاکرات خوش بین نیستند، زیرا ایشان آمریکا را بهتر از هر کسی می‌شناسند. اما دولت رفت و نتایج‌اش یک خسارت محض شد. عنوان تدبیر و امید اصطلاح قشنگی بود، اما تدبیرشان در هفت سال صرف شکل دادن به برجام شد و امیدشان هم این بود که دوباره به نقطه اول بازگردند.

بانک‌های خصوصی؛ بلای جان اقتصاد ایران

درخشان در پاسخ به این پرسش که چرا نتوانستیم اقتصاد را از درون قوی کنیم، گفت: مشکلات اقتصاد ملی نه تنها حل نشده، بلکه به صورت فزاینده رو به رشد است. دلیل آن است که دولت تدبیر و امید، تمام تدبیرش را به ایجاد رابطه با آمریکا معطوف کرد و به کلی از مسائل اقتصاد ملی غافل شد. وی خاطرنشان کرد: در دولت اول مرحوم هاشمی رفسنجانی بعد از جنگ، صندوق بین‌المللی پول آمد و سیاست‌های تعدیل اقتصادی را دیکته کرد و تمام بدبختی‌های اقتصاد ما از تبعیت از برنامه‌های آن صندوق آغاز شد. دولت‌سازندگی و اصلاحات، بزرگ‌ترین فرصت تاریخی ساخت اقتصاد ملی را سوزاندند؛ آن‌ها روحیه مردم، سبک زندگی و فرهنگ خوداتکایی را از بین بردند و اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی را به محور اقتصاد تبدیل کردند.

اقتصاد مقاومتی؛

شعاری که پشت در دولت ماند

این اقتصاددان تأکید کرد: دولت فعلی نتوانست رهنمودهای رهبر معظم انقلاب درباره اقتصاد مقاومتی را پیاده کند، چرا که اصلاً به مسائل داخلی نپرداخت. به بودجه‌ها و برنامه‌های عمرانی نگاه کنید؛ در هیچ کجای آن‌ها هدف، حل ریشه‌ای مشکلات ساختاری اقتصاد کشور نبوده است. درخشان در ادامه تصریح کرد: مدام نگویند نقدینگی! این نقدینگی وارد بانک‌ها می‌شود. با صراحت می‌گویم بانک‌های خصوصی بزرگ‌ترین بلا برای اقتصاد ملی بوده، هست و خواهد بود.

به نمایندگان مجلس می‌گویم به مرکز پژوهش‌های مجلس دستور دهند گزارشی کامل از عملکرد بانک‌های خصوصی و شرکت‌های بیمه از زمان تأسیس تاکنون ارائه دهند تا مشخص شود این‌ها چه خدمتی به اقتصاد کرده‌اند. وی گفت: توصیه دوم به نمایندگان این است که بازار سکه باید به کلی جمع‌آوری شود. در هیچ کشوری بازاری برای خرید و فروش سکه به این شکل وجود ندارد. عثمانی‌ها سکه زدند، رضاخان هم تقلید کرد و بعد از انقلاب هم کاسبان لیبرالیسم بازار سکه را انداختند.

نبض بازار

نفت جهش کرد، طلا ریخت

بازارهای جهانی دیروز (دوشنبه) و در آغاز معاملات هفته جدید میلادی تحت تأثیر افزایش قیمت نفت قرار گرفتند. نفت در معاملات روز گذشته جهش کرد و هم‌زمان طلا تحت فشار سنگین فروش قرار گرفت. تداوم بسته‌ماندن تنگه هرمز و اختلال در مسیرهای صادرات نفت، نگرانی درباره عرضه جهانی را تشدید کرده است. نفت برنت در معاملات روز گذشته (تالحنه تنظیم این گزارش) بیش از ۳ درصد نسبت به روز جمعه گذشته رشد کرد و تا ۱۰۸.۶۵ دلار در هر بشکه بالا رفت و به مرز ۱۱۰ دلار نزدیک شد. نفت خام آمریکا نیز حدود ۲.۹ درصد افزایش یافت و به محدوده ۱۰۲.۹۴ دلار رسید. رویتز علت این جهش را مجموعه‌ای از عوامل ژئوپلیتیک، از جمله به تعویق افتادن مذاکرات ایران و کشورهای عربی درباره امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز و آسیب به زیرساخت‌های نفتی عربستان عنوان کرده است. اما افزایش قیمت نفت، بازار جهانی طلا را تحت فشار قرار داد. قیمت هراونس طلا در معاملات روز گذشته ۱.۸ درصد سقوط کرد و به ۴۲۷۱.۵۹ دلار رسید. دلیل این ریزش، نگرانی از بازگشت تورم در اقتصاد آمریکاست. رشد قیمت نفت می‌تواند هزینه انرژی و در نتیجه تورم را افزایش دهد و همین موضوع احتمال ادامه سیاست پولی انقباضی فدرال رزرو را بالا برده است. در همین حال، فشار فروش به بازار سهام آمریکا نیز سرایت کرده و افزایش نفت و نگرانی از نرخ‌های بهره بالاتر، به‌ویژه سهام فناوری را تحت فشار قرار داده است.

نگرانی از تداوم تورم، انتظارات بازار درباره سیاست پولی آمریکا را نیز تغییر داده است. گلدمن ساکس که پیش‌تر انتظار داشت نرخ بهره در نشست سپتامبر بانک مرکزی آمریکا بدون تغییر بماند، اکنون پیش‌بینی خود را تغییر داده و افزایش ۲۵ واحد پایه‌ای در نشست فردا و پس‌فردا را محتمل می‌داند. جی‌پی مورگان نیز علاوه بر افزایش ۲۵ واحد پایه‌ای، یک افزایش ۲۵ واحد پایه‌ای دیگر را پیش‌بینی کرده است. به اعتقاد این بانک‌ها، جهش قیمت نفت به بالای ۱۰۰ دلار و افزایش بیش از انتظار تورم آمریکا در ماه اوت، امیدها برای ادامه روند کاهش تورم را تضعیف کرده است. بر اساس تازه‌ترین نظرسنجی رویتز، ۳۷ نفر از ۷۰ اقتصاددان اکنون انتظار دارند فدرال رزرو تا پایان مارس ۲۰۲۷ دست‌کم دو بار نرخ بهره را افزایش دهد. ۸۵ درصد اقتصاددانان اکنون افزایش ۲۵ واحد پایه‌ای را محتمل می‌دانند. این در حالی است که در نظرسنجی ۹ سپتامبر رویتز، از میان ۱۰۱ اقتصاددان، ۸۶ نفر پیش‌بینی کرده بودند فدرال رزرو در نشست این هفته نرخ بهره را ۲۵ واحد پایه افزایش دهد.

وعده‌درمانی کالابریک در پاستور

۹ ماه از اجرای طرح کالابریک گذشته، اما اعتباری که قرار بود هر سه ماه یک بار متناسب با تورم تغییر کند، همچنان یک میلیون تومان باقی مانده است. این در حالی است که هزینه سبد خوراکی ضروری خانوار از حدود ۱۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان در آذرماه سال گذشته به حدود ۲۰ میلیون تومان در مرداد امسال رسیده که افزایش ۶۰ درصد را نشان می‌دهد. رئیس‌جمهور نیز روز گذشته بار دیگر وعده افزایش را تکرار کرد. مسعود پزشکیان در نشست با جمعی از بازنشستگان در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: «رقم کالابریک قطعاً افزایش خواهد یافت»، اما باز هم زمان اجرا، میزان افزایش و منابع آن را مشخص نکرد. این وعده البته تازه نیست. از اوایل اردیبهشت امسال، احمد میدری از ارائه پیشنهاد افزایش اعتبار به دولت خبر داد و یعقوب اندایش اجرای آن را برای نیمه اردیبهشت یا نهایتاً خرداد وعده کرد. در خرداد نیز پزشکیان بر پوشش حداقل ۶ دهک پایین تأکید کرد. همچنین دیگر مقامات دولت چهاردهم از این افزایش سخن گفتند، اما نتیجه این وعده‌ها، هنوز محقق نشده است. دولت چهاردهم با وجود وعده‌های مکرر مقامات برای افزایش اعتبار کالابریک متناسب با تورم، هنوز این تصمیم را عملیاتی نکرده است. با گذشت ۹ ماه، اعتبار یک میلیون تومانی ثابت مانده است.

وقتی ذخایر طلا در جنگ اقتصادی، به حراج رفت

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی می‌گوید: چرا در زمان ریاست آقای سیف بر بانک مرکزی، ۶۴ تن طلا تبدیل به سکه شد تا مثلاً قیمت را کنترل کنند؟ کجای دنیا کشوری که در حال جنگ اقتصادی است، ذخایر طلای خود را به حراج می‌گذارد تا به جیب سکه‌فروش‌ها برود؟ با این ۶۴ تن طلا می‌شود صنعت خودرو، هواپیمایی، کشتی‌سازی و ده‌ها کارخانه پتروشیمی را احیا کرد، اما آن را به سکه فروشان دادند.

بین الملل

لغو روادید اسلامی؛ نتیجه اعتمادسازی های بی حاصل



با وجود آنکه ایران طی سال های گذشته یکی از طرف های اصلی همکاری و تعامل با آژانس بین المللی انرژی اتمی بوده و در مقاطع مختلف برای رفع ابهامات و تسهیل روندهای نظارتی همکاری های گسترده ای انجام داده، اکنون نتیجه این مسیر به جای دریافت پاسخ متناسب، به ممانعت از حضور رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در نشست عمومی آژانس در وین رسیده است. آمریکا صراحتاً تأیید کرده که با سفر محمد اسلامی مخالفت کرده و همین مخالفت به جلوگیری از حضور او انجامیده است.

از سوی دیگر، ایران این اقدام اتریش را ناقض تعهدات این کشور به عنوان میزبان نهادهای سازمان ملل دانسته و آن را نمونه ای دیگر از سیاسی کاری در روند فعالیت آژانس توصیف کرده است. جالب آنکه گروسی نیز به جای آنکه به آمریکا حمله کند بار دیگر خواستار همکاری ایران و ورود بازرسان به کشور و تأسیسات هسته ای شده است. در همین ارتباط دبیرکل سازمان ملل متحد تأکید کرد که جهان بیش از هر زمان دیگری به بی طرفی، حرفه ای گری و توانمندی فنی آژانس بین المللی انرژی اتمی نیاز دارد.

میخائیل اولیانوف نماینده روسیه نیز گفت که اتریش در آخرین لحظه، روادید از پیش صادر شده رئیس سازمان انرژی اتمی ایران را لغو و با این اقدام، تعهدات خود در موافقت نامه استقرار مقر آژانس در وین را به شدت نقض کرده است.

در پی ضربه به شریان نفتی و تشدید فشار یمن صورت گرفت

پیشروی همزمان
انصارالله و قیمت نفت

بازار نفت حالا دیگر با یک بحران مقطعی روبه رو نیست؛ چند مسیر حیاتی همزمان در حال از کار افتادن است. از یک سو، حمله به خط لوله شرق به غرب عربستان، مسیر جایگزین ریاض برای دور زدن تنگه هرمز را مختل کرده و ذخایر نفت در پایانه های صادراتی این کشور را به چند روز محدود کرده است. از سوی دیگر، لغو نشست عمان عملاً آخرین روزنه خوش بینی دیپلماتیک را هم بست. در همین حال، پیشروی برق آسای انصارالله در سواحل دریای سرخ و باب المندب، معادله انرژی را وارد مرحله ای تازه کرده است.

در شهرستان الشمایتین حکایت دارد؛ تحولی که نشان می دهد سرعت تحولات زمینی نیز به اندازه تحولات دریایی قابل توجه است.

همزمان، انصارالله عملیات خود را به عمق خاک عربستان نیز گشانده است. نیروهای یمنی از حمله گسترده موشکی و پهپادی به تأسیسات نظامی خبر داده اند. حمله ای که انصارالله پاسخ به صدها حمله هوایی سعودی علیه یمن به تأسیسات و زیرساخت های نظامی پایگاه هوایی ملک خالد در خمیس مشیط، از حمله آشیانه های هواپیماهای جنگی، رادارها، باند های پروازی، انبارهای مهمات و دیگر اهداف با استفاده از ده ها فروند موشک بالستیک و پهپاد حمله کردند.

از سوی دیگر، گزارش ها از گسترش دامنه حملات به شوره حکایت دارند. یعنی فشار فقط روی مرزهای جنوبی عربستان نیست و عمق جغرافیایی این کشور نیز در حال ورود به معادله جنگ است.

طنز تلخ ماجرا برای ریاض اینجاست که عربستان میلیارد ها دلار برای جنگ یمن، خرید تسلیحات و ایجاد نیروهای نیابتی هزینه کرد، اما امروز همان جبهه ای که قرار بود نقطه فشار بر یمن باشد، به مسیری برای فشار مستقیم بر خود عربستان تبدیل شده است.

در چنین شرایطی، عبور نفت از ۱۱۰ دلار دیگر یک شوک لحظه ای نیست. هشدار است درباره اینکه اگر این روند ادامه پیدا کند، بازار باید خود را برای اعداد بسیار بالاتری آماده کند.

نیز ضربه دیگری به خوش بینی بازار وارد کرد. قرار بود این نشست درباره مدیریت وضعیت تنگه هرمز و ایجاد مسیر موقت برای کشتیرانی گفت و گو کند، اما نشست به تعویق افتاد.

به زبان ساده، بازار نفت دیگر حتی روی میز مذاکره هم حساب باز نمی کند. وقتی یک طرف، شریان نفتی جایگزینش را از دست داده و از طرف دیگر مذاکرات منطقه ای نیز متوقف شده، طبیعی است که معامله گران کمبود را در قیمت ها لحاظ کنند.

اما شاید مهم تر از همه، آن چیزی است که در یمن در حال رخ دادن است. انصاراللهی روزهای اخیر تنها یک عملیات پراکنده انجام نداده، بلکه یک پیشروی سریع و پیوسته را در ساحل دریای سرخ رقم زده است.

تصرف جزیره پریم در دهانه باب المندب، در کنار پیشروی در المخا و تسلط بر بخش های مهم ساحل دریای سرخ، موقعیت انصارالله به شکل محسوسی تقویت کرده است. گزارش الجزیره می گوید انصارالله اکنون عملاً بر بخش های پیرامون باب المندب و تمام خط ساحلی دریای سرخ یمن تسلط پیدا کرده و کنترل جزیره میون، بلکه گروه را در موقعیتی قرار داده که در صورت تصمیم به این کار، توانایی جدی برای مختل کردن تردد دریایی در این گذرگاه حیاتی داشته باشد. حتی گزارش های میدانی از پیشروی بیشتر نیروهای انصارالله غرب نعر و کنترل مناطق العجرم، الأحراز و غیل بنی عمر

احسان میرباقری

روزنامه نگار

عمق عربستان
زیر ضرب
یمنی ها

علاوه بر عقب راندن نیابتی های عربستان، همزمان، انصارالله دامنه عملیات خود را به عمق خاک عربستان نیز گشانده است. نیروهای یمنی از حمله گسترده موشکی و پهپادی به تأسیسات نظامی خبر داده اند. حمله ای که انصارالله پاسخ به صدها حمله هوایی سعودی علیه یمن به تأسیسات و زیرساخت های نظامی پایگاه هوایی ملک خالد در خمیس مشیط، از حمله آشیانه های هواپیماهای جنگی، رادارها، باند های پروازی، انبارهای مهمات و دیگر اهداف با استفاده از ده ها فروند موشک بالستیک و پهپاد حمله کردند.

یادداشت

روایت پیروزی
یا نمایش هالیوودی؟

محسن پوردادفر
روزنامه نگار

درست در همان زمانی که شبکه آمریکایی سی بی اس با تیزری هالیوودی از نجات خلبانی که جنگنده پیشرفته اش توسط سامانه بومی ایران هدف قرار گرفته بود، تلاش می کرد از یک شکست نظامی، دستاوردی قهرمانانه بسازد، ایران در سوی دیگر میدان، یک زیرسطحی پیشرفته آمریکایی را در تنگه هرمز سالم گرفت و «صید» کرد. با پخش کامل مصاحبه در روز گذشته، گاف های هالیوودی این روایت نیز یکی یکی بیرون زد. گاف هایی که نشان می دهد قرار بود افکار عمومی آمریکا شکست یک جنگنده را فراموش کند و به جای آن، قصه ای از قهرمانی، فرار و نجات بشنود.

روایت سی بی اس از عملیات نجات خلبان آمریکایی بیش از آنکه یک گزارش نظامی باشد، شبیه فیلمنامه ای است که قرار است یک شکست را به پیروزی روانی تبدیل کند. خلبانی که جنگنده F-۱۵ او بر فراز ایران سرنگون شده، مطابق روایت مطرح شده توسط خلبان، پس از سقوط با سرعتی بین ۱۱۰ تا ۱۶۰ کیلومتر بر ساعت به زمین برخورد کرده و کمر، دست و شانه اش شکسته است! اما نه تنها زنده مانده، بلکه به راه افتاده و از ارتفاعات صعب العبور هم بالا رفته است! این بیشتر به قهرمانان فیلم های اکشن هالیوود شباهت دارد تا روایت یک حادثه واقعی جنگی.

گاف بعدی، داستان ۵۰ ساعت مخفی ماندن در سرما و تقریباً بدون آب و غذاست. آن هم در شرایطی که ادعا می شود حدود ۱۵۰۰ نیروی ایرانی تا چند صد متری او پیش رفته بودند اما موفق به یافتنش نشدند. سپس ناگهان پای «فناوری فوق محرمانه» سیا به میان می آید؛ موقعیت خلبان کشف می شود، بمب افکن ها وارد عمل می شوند، مسیر برای نیروهای ویژه باز می شود و قهرمان داستان درست در لحظه آخر نجات پیدا می کند.

مشکل اینجاست که هر چه روایت جلوتر می رود، سهم واقعیت کمتر و سهم سینمایی هالیوودی بیشتر به نظر می رسد.

حتی خود فرآیند تولید این مصاحبه نیز عادی نبوده است. گزارش های رسانه های آمریکایی از فشار دفتر پیت هگرتز، وزیر جنگ آمریکا، برای حضور خدمه جنگنده در برنامه حکایت دارد. به گونه ای که حتی نگرانی هایی درباره افشای اطلاعات محرمانه و استفاده سیاسی از این روایت در میان برخی نظامیان مطرح شده بود. یکی از دو خدمه نیز اساساً حاضر نشد مقابل دوربین برود.

این اتفاقات وقتی معنا پیدا می کند که بدانیم مخاطب اصلی این برنامه، نه کارشناسان نظامی، بلکه افکار عمومی آمریکا هستند. جامعه ای که باید شکست جنگنده، هزینه های جنگ و تبعات آن را فراموش کند و به جای پرسیدن اینکه «چرا جنگنده آمریکایی سرنگون شد؟»، برای خلبان نجات یافته کف بزند. سی بی اس می خواهد داستان را از «جنگنده ای که در ایران سقوط کرد» و عملیات شکست خورده علیه تأسیسات اصفهان به «قهرمانی که از ایران نجات یافت» تغییر دهد. پنتاگون نیز ظاهراً به این روایت نیاز دارد.

یادداشت

اصلاح ناپذیری پزشکian

حسین خوش‌رو
روزنامه‌نگار

باز هم سفری دیگر، باز هم چینش دیداری نامتناسب و باز هم موضعی که نشان می‌دهد پزشکian هنوز در تنظیم ادبیات سیاست خارجی، بدون هیچ دقت و هوشمندی موضع می‌گیرد. این بار در پایان نشست بریکس، رئیس‌جمهور از گفت‌وگوی خود با ولیعهد ابوظبی سخن گفت و اعلام کرد: «قرار شد گذشته را کنار بگذاریم و به آینده نگاه کنیم». اگر این جمله یک لغزش لفظی تلقی شود، مشکل با یک عذرخواهی یا اصلاح موضع پایان می‌یابد؛ اما وقتی مواضع نسنجیده پزشکian به الگویی تکرارشونده تبدیل می‌شود، دیگر نمی‌توان آن را صرفاً خطای گفتاری دانست. طی دو سال گذشته بارها درباره پیامدهای چنین اظهارنظرهایی هشدار داده شده، اما نشانه‌ای از اصلاح این رویه دیده نمی‌شود. حضور و نفوذ چهره‌هایی همچون قائم‌پناه، ظریف، الیاس حضرتی، طباطبایی نیز تسلط اصلاح طلبان با کارنامه سیاه را بر زبان پزشکian پررنگ تر کرده. انگاره «اصلاح‌ناپذیری» پزشکian، با هر موضع مشابه، پررنگ‌تر می‌شود.

درخصوص امارات، البته پای یک موضوع دیگر نیز در میان است: نفوذ اقتصادی و شبکه‌های لابی و تراست‌هایی که پیوندهای نزدیکی با طیف‌های سیاسی و اقتصادی حامی دولت دارند. اصلاح طلبان نیز سال‌هاست رابطه‌ای ویژه با ابوظبی تعریف کرده‌اند؛ حتی در شرایطی که این کشور بارها درباره جزایر سه‌گانه مواضعی خلاف تمامیت ارضی ایران اتخاذ کرده و به خصوص مشارکت مستقیم امارات در جنگ آمریکا و اسرائیل بر علیه ایران سخن گفتن از کنار گذاشتن گذشته‌ای که منجر به جنایات در میناب و لامرد شد تاسف برانگیز است.

امارات از نخستین دولت‌های عربی بود که در قالب «توافق ابراهیم» در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ، روابط رسمی با رژیم صهیونیستی برقرار کرد و همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود با تل‌آویو را گسترش داد. به همین دلیل، امارات یکی از گرهِای مهم شبکه نفوذ اسرائیل در منطقه است. در جریان جنگ اخیر نیز، همکاری راهبردی امارات با اسرائیل و جایگاه آن در شبکه منطقه‌ای آمریکا واقعیتی قابل چشم‌پوشی نیست. چگونه می‌توان همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی این شبکه را در جنگی که با ترور رهبرانقلاب آغاز شد و هزاران شهید بر جای گذاشت و فجایعی مانند حمله به مدرسه میناب و لامرد را رقم زد، با یک جمله «گذشته را کنار بگذاریم» پاک کرد؟ آیا پزشکian به عواقب سخنان خود فکر می‌کند؟ امارات طی سال‌های اخیر با اتکا به ثروت نفتی و مالی، دامنه نفوذ خود را از خلیج فارس تا شاخ آفریقا و بخش‌هایی از غرب آسیا گسترش داده است. کشوری کوچک از نظر جمعیت و جغرافیا، با قدرت مالی در حال ساختن شبکه‌ای از نفوذ فرمانطقه‌ای است. کشوری که در فشار علیه ایران نقش می‌پذیرد، نمی‌تواند انتظار داشته باشد هزینه انتخابش را فقط دیگران بپردازند. «فراموش کردن گذشته» بدون تعیین تکلیف با واقعیت‌های آن، اسم دیگری جز پاک کردن صورت مسئله ندارد.

سوء محاسبه
بر سر هرمز

تفاهم ایران و عمان باید در همان چارچوبی که شکل گرفته دنبال شود؛ نه اینکه هرمز را سر میز کشورهای عربی ببریم تا آنها درباره آن تصمیم بگیرند. هرمز یکی از معدود برگ‌های واقعی ایران در معادلات منطقه‌ای است. این برگ را نباید با یک نشست تشریفاتی منطقه‌ای تبدیل به موضوع چانه‌زنی کشورهای عربی کرد.

از یک تفاهم میان ایران و عمان تا ورود عربستان به متن توافق؛ آیا همین خطای محاسباتی برای سوال پارلمان از وزیر خارجه کافی نیست؟

با چه توجیهی پای سعودی به توافق برای تنگه هرمز باز شده است؟

بستن به غرب، جایگزین خودکفایی شده است. درخشان ضمن هشدار نسبت به عملکرد مخرب بانک‌های خصوصی و حراج ذخایر طلا، بر ضرورت فوری اصلاحات ساختاری و چرخش به سمت اقتصاد مقاومتی تأکید کرد.

پروفسور مسعود درخشان استاد تمام دانشگاه علامه طباطبایی، ریشه بحران‌های کشور را در مثلث وابستگی (نفت، دلار و واردات) و طرز فکر مدیران ارشد می‌داند. وی با نقد سیاست‌های اقتصادی معتقد است نگاه لیبرالیستی و امید

محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

یک تفاهم دو جانبه که بی دلیل چند جانبه شد

ایران و عمان دو کشور ساحلی هرمز هستند. ترتیباتی که میان آنها درباره مسیرهای عبور دریایی شکل گرفته، یک موضوع دو جانبه است که البته آثار منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. اینکه بعد از نهایی شدن توافق، کشورهای منطقه در جریان آن قرار بگیرند، یک بحث است؛ اینکه از ابتدا آنها را در جایگاه طرف مذاکره و تصمیم‌گیر قرار دهیم، بحث دیگری. اما دولتمردان و دیپلمات‌ها دقیقاً همین مرز را مخدوش کرد. حالا عربستان، قطر، کویت و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس که هر کدام منافع و ملاحظات خودشان را دارند، می‌توانند درباره موضوعی که مستقیماً به حاکمیت و امنیت ایران مربوط است، مطالبه‌گری کنند. این خطای محاسباتی اکنون هزینه‌اش خودش را نشان داده است.

مشکل فقط عربستان نیست

ماجرای فقط به عربستان ختم نمی‌شود. بحرین پیش از نشست اعلام کرده بود در چنین جلسه‌ای شرکت نمی‌کند. دلیلش هم روشن بود؛ روابط دیپلماتیک تهران و منامه همچنان در وضعیت خاص خود قرار دارد. از سوی دیگر، کشورهای عربی منطقه نیز هر کدام در قبال ایران، آمریکا، یمن و جنگ اخیر محاسبات متفاوتی دارند.

بنابراین کاملاً قابل پیش‌بینی بود که تبدیل کردن موضوع هرمز به یک نشست منطقه‌ای، به جای اینکه برای ایران دستاورد بسازد، بر تعداد طرف‌های دخیل اضافه کند. به همین دلیل نشست که قرار بود ایران و عمان در آن تفاهم خود را ارائه کنند، پیش از برگزاری به دلیل اختلاف میان کشورهای منطقه زمین خورد.

سخنگوی وزارت خارجه البته تلاش کرده است این مسئله را به اختلافات مقطعی تقلیل ندهد. اسماعیل بقایی در گفت‌وگو با ایرنا گفته است تصمیم‌های سیاست خارجی و امنیت ملی «تک‌مولفه‌ای» نیست و تأکید کرد ایران نباید به خاطر

نشست صلاحه قرار بود دیروز برگزار شود و در آن ایران و عمان، نتیجه هفته‌ها مذاکره درباره ترتیبات دریانوردی در تنگه هرمز را برای کشورهای منطقه تشریح کنند. اما چند ساعت مانده به برگزاری، همه چیز به هم ریخت. وزیر خارجه عمان اعلام کرد نشست به تعویق افتاده و بعد، سخنگوی وزارت خارجه ایران صریح‌تر از همیشه گفت: عربستان درخواست کرد این نشست فعلاً برگزار نشود.

حالا باید یک سؤال ساده اما مهم را پرسید؛ عربستان سعودی اصلاً چرا باید بتواند درباره تفاهم ایران و عمان در تنگه هرمز نظر بدهد؟ اصل تفاهم، میان دو کشور ساحلی یعنی ایران و عمان شکل گرفته است. هفته‌ها مذاکره انجام شده، مسیر جدید دریانوردی طراحی شده و حتی نقشه‌های آن آماده شده بود.

قرار بود این چارچوب در اختیار کشورهای منطقه قرار بگیرد و در ادامه مسیرهای قانونی خود را طی کند. اما یک تصمیم عجیب در تهران، ماجرای وارد زمین دیگری کرد؛ دعوت از کشورهای حاشیه خلیج فارس برای نشستی که موضوع اصلی آن ترتیبات تنگه هرمز بود. نتیجه حالا این شده که عربستان نه تنها در نشست شرکت نکرد، بلکه طبق گزارش اکسیوس، حتی درباره متن پیشنهادی ایران و عمان ملاحظاتی داشته و خواستار اصلاح آن شده است. باراک راوید به نقل از یک مقام کشورهای حوزه خلیج فارس نوشته است که نگرانی ریاض این بوده که متن پیشنهادی ایران و عمان، عملاً رویه جدیدی در تنگه هرمز ایجاد کند که برای عربستان و دیگر اعضای شورای همکاری قابل قبول نباشد.

بنابراین کشوری که قرار نبود طرف توافق باشد، حالا برای توافق ایران و عمان اصلاحیه پیشنهاد می‌دهد. این هزینه برای منافع ملی کشور اکنون مساله‌ای است که باید پیگیری شود. شاید سوال مجلس از وزیر خارجه بتواند پشت پرده‌ای خطاهای مکرر محاسباتی را نمایان کند.

یادداشت

چاقو دسته‌اش را می‌برد

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

«نازا» را باید یکی از اتفاقات مهم ونیزامسال دانست؛ به این دلیل که یک فیلمساز اسرائیلی در یکی از مهم‌ترین رویدادهای سینمایی اروپا ایستاده و از رنج مردم غزه سخن گفته است. فیلمی که حالا از مدیوم خود هم عبور کرده و پایش به منازعات سیاسی داخل اسرائیل و حتی انتخابات این رژیم باز شده است.

«نازا» در ونیز با استقبال قابل توجهی مواجه شد و سازندگانش درباره آنچه در غزه گذشته و می‌گذرد سخن گفتند. یعنی در همان جایی که برخی چهره‌های ایرانی برای چند دقیقه قرار گرفتن زیر نور فلاش دوربین‌ها، از آزادی وزن ایرانی و مفاهیم کلیشه‌ای دیگری حرف می‌زنند، فیلمساز اسرائیلی درباره مردمی حرف می‌زند که زیر بمباران ارتش رژیم خودش قرار گرفته‌اند. تفاوت را می‌بینید؟ اهمیت ماجرا فقط به تشویق ونیز محدود نیست. «نازا» حالا به یک مسئله سیاسی در اسرائیل تبدیل شده است. لیکود حتی گادی آیزنکوت را تحت فشار گذاشته تا توافق مازاد آرا با حزب دموکرات‌ها را به دلیل حمایت برخی اعضای آن از سازندگان فیلم لغو کند. نمی‌توان گفت این فیلم به تنهایی نتیجه انتخابات را تغییر می‌دهد، اما همین که یک اثر سینمایی درباره غزه وارد دعوای انتخاباتی اسرائیل شده، نشان می‌دهد با یک فیلم معمولی طرف نیستیم. از طرفی واکنش لیکود نشان می‌دهد که یک اثر هنری چگونه حساسیت امنیتی برمی‌انگیزد؛ در صورتی که در ایران هرچه هنرمند ضد امنیتی رفتار کند پاسخ مناسبی نمی‌بیند!

حالا این صحنه را کنار رفتار برخی سلبریتی‌های ایرانی بگذارید. در اسرائیل صدای بخشی از سینماگران درباره ظلم به غزه بلند شده و همان صدا به ونیز رسیده است؛ اما از بسیاری از سلبریتی‌های ایرانی که برای کوچک‌ترین اتفاق، ژست‌های انسان دوستانه می‌گیرند و گریبان چاک می‌دهند، در قبال کشتار مردم غزه که هیچ، در قبال ملت خودشان هم صدایی شنیده نشد. گویی مسائل انسان دوستانه فقط وقتی اهمیت دارد که بتوان از آن برای حمله سیاسی به جمهوری اسلامی استفاده کرد!

«نازا» از این جهت یک اتفاق مهم است؛ چون نشان می‌دهد حتی در داخل اسرائیل هم کسانی هستند که حاضرند هزینه گفتن از جنایت و رنج فلسطینی‌ها را بپردازند. اما ظاهراً بعضی از سلبریتی‌های ایرانی برای دیدن ظلم یک شرط ساده دارند: ظالم، چشم‌زنگی نباشد و قربانی هم به کار پروژه سیاسی‌شان بیاید!

نگاهی به ریشه‌های فرهنگی و تاریخی مجاهدان یمنی

از کوهپایه‌های البرز تا صخره‌های صعدہ

درهم‌تنیده است. این پیوند کهن از دوران پیش از اسلام و استقرار سپاهیان ایرانی ملقب به «ابناء» در خاک یمن آغاز شد. گروهی که با ورود اسلام به یمن، از نخستین کسانی بودند که با هدایت یازدان (فرمانروای ایرانی‌تبار یمن) بدون درگیری و با اشتیاق به ایین اسلام پیوستند و در ادامه با پذیرش ولایت امام علی (ع) در بازار صنعا، پایه‌های نخستین گرایش‌های علوی را در این سرزمین استوار ساختند.



محمد قربانی
روزنامه‌نگار

عمیق‌ترین و سرنوشت‌سازترین فصل از پیوند فرهنگی و نسب‌شناختی میان یمن و ایران، در قرن سوم هجری و در بستر مشترک تشیع زیدی در سرزمین‌های شمال ایران یعنی طبرستان، دیلمان و گیلان رقم خورد. در این عصر، خطه مازندران و کوهستان‌های البرز به نخستین پناهگاه امن و دژ استوار علویان مبارز در برابر استبداد اموی و عباسی بدل گشته بود. تشکیل دولت علویان طبرستان به رهبری داعی کبیر (حسن بن زید) و در ادامه، پیشوایی فکری و حکومتی امام ناصرالحق، مازندران و به‌ویژه کهن‌شهر آمل را به پایتخت فکری و کانون تپنده فقه و کلام زیدی در جهان اسلام تبدیل کرد.

در همین دوران، یحیی بن الحسین ملقب به الهادی الی‌الحق که خود پیش از هجرت به یمن در جغرافیای ایران و در ارتباط نزدیک با علویان طبرستان حضور داشت، پایه‌های امامت زیدی را در صعدہ و شمال یمن بنیان نهاد. از همین نقطه تاریخی، یک پل مهاجرتی میان آمل و صعدہ شکل گرفت. بسیاری از فرزندان، یاران و شاگردان ناصرالحق اطروش و امام هادی، در طول قرن‌های سوم تا ششم هجری میان طبرستان و صعدہ در رفت‌وآمد دائم بودند. سادات حسنی و حسینی زیدی و طوایف وابسته به آنان، برای جهاد، اداره امور امامت و گسترش تعالیم اهل بیت، از مازندران به کوهستان‌های یمن کوچیدند و با قبایل ریشه‌دار محلی نظیر همدان، خولان و مذحج پیوند خونی و نسبی برقرار ساختند.

خاندان‌های نامدار یمن، از جمله سلسله سادات قاسمی و آل حوثی، ریشه‌های شجره‌نامه‌ای و

یادداشت

فضیلت ارجمند بودن

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

چند روز پیش، رائد فریدزاده رئیس سازمان سینمایی جهت ادای احترام و احوال‌پرسی، در منزل داریوش ارجمند حضور یافت. در جریان این دیدار، اشاره به سکانس روشن کردن سیگار با یک دست در فیلم ناخداخورشید، یادآور هنرنمایی درخشان ارجمند شد؛ لحظه‌ای که در همان نخستین مواجهه، بسیاری از مخاطبان را به عمق توانمندی‌های بازیگری او رهنمون ساخت. برهیچ‌کس پوشیده نیست که داریوش ارجمند بنا بر هر معیار و شاخصی، یکی از برجسته‌ترین بازیگران تاریخ سینما و تلویزیون ایران به‌شمار می‌رود. اما پرسش اساسی آن است که آیا در آینده نیز شاهد ظهور بازیگری خواهیم بود که ضمن تسلط کامل بر شناخت درام و آشنایی با سبک‌های گوناگون بازیگری، از دانش عمیق تکنیکی و مبانی آموزشی این هنر برخوردار باشد و برخلاف بسیاری از هنرپیشه‌های امروزی، از سطحی‌نگری و کم‌سوادی به دوری کند؟ دقیقاً به همین دلیل است که در سال‌های اخیر، فارغ از مسئله کهولت سن، پیشنهادهای کاری کمتری به ایشان ارائه شده است؛ زیرا ارجمند از شخصیتی آزاده بهره‌مند بوده و همواره بر اصول و اعتقادات خود استوار مانده است.

بر همین اساس، فراموش‌شدن در سینمایی که اکنون سال‌هاست به مأمنی برای افراد کم‌سواد بدل شده، برای او تفاوت چندانی ایجاد نمی‌کند، زیرا این هنرمند هم در صحنه و هم در زندگی شخصی، همواره با صداقت و استقلال رأی زیسته است. اکنون با هر معیار و سنجه‌ای که بخواهیم ارزیابی کنیم، بازیگران بی‌مایه‌ای نظیر زر امیرابراهیمی و لاله مرزبان، با وجود کسب جوایز به‌اصطلاح معتبر از جشنواره‌های کن و ونیز، باید گام‌های بسیار بلندی بردارند تا به مرتبه هنری ارجمند دست یابند؛ به‌گونه‌ای که اگر آثار شاخصی همچون اعتراض، ناخداخورشید، ستایش، ازدواج به سبک ایرانی و امثال آن را بدون حضور ارجمند تصور کنیم، تماشای تصاویر فاقد هرگونه جذابیت و عمق هنری خواهد بود.

حضور او در هراتی، ژرفایی بی‌بدیل و غیرقابل جایگزینی پدید می‌آورد که تنها ثمره تجربه‌ای گران‌سنگ، هوش هنری سرشار و وفاداری بی‌چون‌وچرا به حرفه است. این میراث گران‌بها، یادآور آن است که سینمای ایران همواره مدیون هنرمندانی است که با اصالت و تعهد، عرصه هنر را به قله‌های رفیع رسانده‌اند. متأسفانه باید اذعان داشت که هنر بازیگری در ایران در حال احتضار است و امروزه گروه‌های فیلمسازی برای جذب مخاطب، ناچار به بهره‌گیری از دلک‌های اینستاگرامی شده‌اند که نه تنها دانشی از هنر ندارند، بلکه سینما را به عرصه‌ای برای خودنمایی‌های سطحی بدل کرده‌اند. در چنین شرایطی، قدر امثال داریوش ارجمند را باید بیش از پیش دانست؛ هنرمندانی که با اصالت و تعهد، آبروی این هنر را حفظ کرده‌اند و نبودشان، خلأیی جبران‌ناپذیر در پیکره سینمای ایران ایجاد خواهد کرد.



محسن شاکری‌نژاد، رئیس مرکز تحقیقات سازمان صداوسیما، در ارزیابی اخیر خود از وضعیت مخاطب‌سنجی برنامه‌های تلویزیونی و شبکه نمایش خانگی نکات مهمی را مطرح کرد. براساس اعلام وی، نظرسنجی‌های این مرکز به صورت منظم و هر دو هفته یک‌بار انجام می‌شود. طبق نتایج آخرین پیمایش میدانی، سریال

«رویای نیمه‌شب» پرمخاطب‌ترین سریال تلویزیونی شناخته شده است.

رئیس مرکز تحقیقات صداوسیما، سهم کلی مخاطبان تلویزیون را حدود ۷۰٫۵ درصد اعلام کرد. در مقایسه با این رقم، پرمخاطب‌ترین برنامه شبکه نمایش خانگی در دو سه سال اخیر، برنامه «جوکر» بوده که حدود ۳۰ درصد سهم مخاطب را داشته است. شاکری‌نژاد با تأکید بر عدم دسترسی مرکز تحقیقات صداوسیما به آمار دقیق شبکه نمایش خانگی خاطرنشان کرد که سنجش این بخش بر عهده مراکز خصوصی فعال و معتبر است. اخیراً مرکز «متا» که روی پتل نظرسنجی فعالیت می‌کند، آمارهای مربوطه را منتشر کرده است.
مأموریت اصلی مرکز تحقیقات صداوسیما صرفاً سنجش مخاطب برنامه‌های داخلی این سازمان است. با این حال، از طریق پرسش‌های کلی درباره عادات تماشای شبانه‌روز، تخمین زده می‌شود که برنامه‌ها و سریال‌های شبکه نمایش خانگی به طور میانگین بین ۳۰ تا ۳۵ درصد از کل مخاطبان را داشته باشند.